

سیری در روزنامه های عرب زبان

روزنامه های دنیای عرب، امروز مطالب متنوعی را در سرمقاله های خود بررسی کرده بودند که در زیر برخی از آنها را مورد مطالعه قرار می دهیم.

آیا ترکیه ورشکسته شده است؟ عنوان یکی از مقالات روزنامه الاهرام مصر می باشد که به قلم احمد موسی به رشته تحریر در آمده است. وی در این یادداشت به کاهش ارزش لیره ترکیه در قبال دلار آمریکا می پردازد. نویسنده می نویسد: در روزهای گذشته لیره ترکیه در مقابل دلار آمریکا سقوط کرد و بر این اساس بانک مرکزی این کشور تلاش می کند تا قیمت دلار را برای جلوگیری از خطر سقوط و تاثیر آن بر سرمایه گذاری و تورم این کشور آزاد نماید. این در حالی است که اردوغان طرح شناور کردن ارز را نپذیرفت و آن را کاری ضد خودش در انتخابات ریاست جمهوری آینده دانست که یکماه بعد برگزار خواهد شد. اردوغان در سال های گذشته مردم ترکیه را قانع کرده بود که در کشور رشد اقتصادی به وجود آورده است. وی با سیاست های اقتصادی این انگیزه را در مردم این کشور شکل بخشید تا به جای این که تولید کننده و صادرکننده باشند، به کالاهای مصرفی روی بیاورند. وی در زمان خودش ۴۰۰ میلیارد دلار برای ترکیه بدهکاری به جا گذاشت و به فروش بخش های عمومی اقدام و به بانک مرکزی ترکیه اجازه داد تا برای طرح های سرمایه گذاری اش از خارج، قرض نماید.

روزنامه الحیات عربستان هم در یادداشتی با عنوان ترامپ، رهبر کره شمالی و نشست که لغو شد به قلم جهاد الخازن لغو دیدار رهبران آمریکا و کره شمالی را متاثر از دو عامل می داند که به آن اشاره شده است. وی می نویسد: ترامپ نشستش را با کیم جونگ اون رهبر کره شمالی که قرار بود در دوازده ماه می آینده برگزار شود، لغو نمود. لغو این نشست هم به این علت نیست که وی می خواهد با دقت بیشتری برای آن آماده شود. ترامپ کره جنوبی هم پیمان مهمش را در شرق آسیا در جریان لغو این نشست قرار نداد و مسئولان کره جنوبی هم اعلام کردند که دلیل لغو آن را نفهمیدند و نمی دانند که ترامپ در آینده چه می خواهد. به نظر می رسد مشکل از آنجا شروع شده باشد که کره شمالی مایک بنس معاون ترامپ را احمق خواند. عامل دوم جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکاست که شخصی تندرو بوده و از کره شمالی خواست تا همه سلاح های هسته ای، موشکی و سلاح های شیمیایی اش را از این کشور خارج نماید بدون این که در قبال این اقدام کره، سودی به این کشور مانند رفع تحریم ها برسد.

روزنامه الخلیج امارات در مطلبی با عنوان آیا ما در آستانه جنگ هسته ای هستیم؟ به قلم محمد خلیفه به تنش میان آمریکا و کره شمالی و احتمال درگیری جنگ اتمی اشاره می کند. وی می نویسد: زمانی که رهبر کره شمالی در ماه های گذشته اعلام کرد که کشورش به قدرت هسته ای جهانی تبدیل شده است، جهان با یک جنگ هسته ای زندگی می کرد. وی در همین زمینه گفت: قدرت هسته ای ما به اتمام رسید و آمریکا نمی تواند علیه ما جنگی به راه بیندازد. برای این که می داند همه سرزمینش در تیررس موشک های هسته ای ما قرار دارند. دیگر از جانب آمریکا تهدیدی علیه ما وجود ندارد. قدرت هسته ای ما واقعی شده است اما ما تا زمانی که امنیت ملی مان به زیر سوال نرود از آن استفاده نمی کنیم. در همین زمینه، مجله نشنال اینترست آمریکادر گزارشی نوشت: اعلان کامل شدن قدرت اتمی کره شمالی از سوی رهبر این کشور به منزله پیروزی بر آمریکاست.

روزنامه الشرق الاوسط عربستان یادداشت مولی رابرتس را با عنوان زمان آن فرا رسیده است که جوانان آمریکایی یهودی موضعی

اتخاذ کنند به رشته تحریر درآورده که در آن نویسنده اعتقاد دارد، نسل جدید یهودیان آمریکا که با صهیونیست ها رابطه خوبی ندارند باید در قبال کشتار اسرائیل موضع گیری نمایند. وی می نویسد: برای تعداد زیادی از آمریکایی ها، محکوم کردن اقدام اسرائیل در کشتن ۶۰ نفر از فلسطینی ها حد اقل در نوار غزه سخت آمد. این درحالی است که بیشتر ناراضیان از این عمل اسرائیل، یهودی های آمریکا بودند. دشوار است میان یهود با اسرائیل تفاوت قایل شویم. اسرائیلی که الان وجود دارد یهودیانی هستند که بعد از حادثه هولوکاست به جوامع غیر یهودی نفوذ کردند و بعد از این حادثه هم تصمیم گرفتند تا به تمام نقاط جهان متفرق و پراکنده شوند. موفقیت اسرائیل کنونی هم به حمایت خارجی وابسته نبوده بلکه به حمایت همین یهودیانی است که در اکثر نقاط جهان پراکنده اند. در مدارس یهودی در آمریکا این مساله تدریس می شود که اسرائیل در گذشته به اجداد ما تعلق داشته و ما باید به آنجا برگردیم. در حادثه اخیر غزه، فاجعه رخ داده است به گونه ای که بارانی از گلوله ها به سوی فلسطینی ها شلیک شد. خشونت می که اسرائیل به کار می برد چیز جدیدی نیست بلکه توجیهات جدید آمریکا از سال های گذشته برای ایجاد دو دولت است که با نزدیکی آمریکا و اسرائیل به هم، نسل جدیدی از یهودیان آمریکا و ضد سیاست های آمریکا و اسرائیل در حال رشد می باشند. نسلی که در قبال خشونت های اسرائیل و طرح های آمریکا خویشتنداری می کنند. این درحالی است که باید موضعی اتخاذ نمایند.

روزنامه الوطن عمان هم مقاله ای با عنوان شروط پومپئو یا آرزوهای نتانیاهو به قلم عبد اللطیف مهنا منتشر نموده است که در این مقاله نویسنده اعتقاد دارد شروط پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا برای ایران در واقع همان ادبیات و شروط مورد نظر نتانیاهو است. وی می نویسد: به نظر می رسد با شروط، هشدارها و وعده هایی که پومپئو در سخنرانی اخیرش علیه ایران مطرح نمود، به این کشور اعلان جنگ داده است. ما معتقدیم برای آمریکایی که در جنگ هایش با شکست های پی در پی مواجه شده است، آسان نیست تا وارد جنگ دیگری شود. سخنرانی اخیر پومپئو در واقع همان ادبیات نتانیاهوست. سخنرانی وی حاوی دوازده شرطی است که وزیر امور خارجه آمریکا از ایران خواست تا در تفاهمنامه جدید بین المللی آن را رعایت نماید. اگر ایران شروط پومپئو را بپذیرد که قطعاً هم نخواهد پذیرفت، دیگر این ایران، ایرانی نخواهد بود که الان شناخته می شود و یا ایرانی ها آن را می شناسند. در همین زمینه قابل ذکر است که پومپئو ایران را میان دو گزینه قرار داده و وجه سومی هم ندارد؛ یا ایران باید این شروط را بپذیرد و یا با تحریم هایی مواجه می شود که در تاریخ سابقه ندارد.

عنوان فلسطینی ها مساله شان را به دستور کار بین المللی بازگردانده اند مطلبی است که در روزنامه البیان امارات به رشته تحریر درآمده و دیدگاه نویسنده آن پاتریک کوکبرن می باشد که اعتقاد دارد امروز مساله فلسطین به عنوان یک دستور کار بین المللی مطرح شده است. وی در همین زمینه می نویسد: نسبت به پانزده سال گذشته، مساله فلسطین بیش از هر زمان دیگری به عنوان دستور کار در میان کشورها و مجامع بین المللی مطرح شد. اگر از انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس هدف این باشد که فلسطینی ها از این که کاری در برابر آن انجام دهند، ناتوان می باشند این اشتباه بوده و سیاست ناکارایی است. در زمانی که آمریکا و اسرائیل جشن انتقال سفارت آمریکا به قدس را برگزار می کردند شبکه های ماهواره ای کشته شدن بیش از شصت فلسطینی و زخمی شدن هزار و شصت نفر دیگر در نوار غره را پخش می کردند که این مساله بازتاب گسترده ای داشته است و اما سوال مهمی که الان وجود دارد این است که مسیر بازگشت بزرگی که پناهجویان از سال ۱۹۴۸ آغاز کرده و هم اکنون به پایان رسیده است، آیا ابتدای اعتراض فلسطینی هاست؟.

روزنامه الدستور اردن در مقاله ای با عنوان آمریکا نه صلح می خواهد و نه جنگ به قلم عربی الرنتاوی سیاست آمریکا را در منطقه، سیاستی می داند که نه به دنبال جنگ است و نه صلح؛ بلکه ایجاد تنش دائمی را در منطقه دنبال می کند. وی می نویسد: سیاست خارجی آمریکا اشتباهاتش را یکی پس از دیگری تکرار می کند. به گونه ای که به اندیشه جاری و غالب تبدیل شده و تکرار این سیاست های اشتباه را هم عین سیاست به حساب می آورند. این درحالی است که یکی از اهداف سیاست هایی که آمریکا در پیش گرفته ایجاد و گسترش هرج و مرج در منطقه خاورمیانه می باشد. از این رو، بحران های منطقه ای همیشه به حالت باز باقی مانده و آمریکا تنها به مدیریت و بدون حل آنها بسنده کرده است. این مساله ای است که در نهایت در راستای اهداف واشنگتن در نابودی اهداف ایران و روسیه

در منطقه و یا تهدید آمریکا می باشد. در همین زمینه، بحران سوریه خطای آشکار سیاست خارجی آمریکا می باشد که به حذف روسیه و ایران در حل نهایی این بحران اصرار دارد.